

سرالحمز منالحمز

دیوان اشعار

حاج محمد ابراهیم کلاتری خاندانی
(شاکر کرمانی)

با مقدمه‌ای از دکتر فاطمه لشکری (راحیل کرمانی)

بهار ۱۳۹۷



نشر آوای هستی
AVAYA HASTI
طبع و توزیع: دفتر نشر آوای هستی

سرشناسه: کلانتری خاندانی، محمدابراهیم، ۱۳۱۷ -
عنوان و نام پدیدآور: دیوان اشعار حاج محمدابراهیم کلانتری خاندانی متخلص به شاکر کرمانی / مولف:
محمدابراهیم کلانتری خاندانی.

مشخصات نشر: کرمان، نشر آوای هستی، ۱۳۹۷

مشخصات ظاهری: ۱۰۸ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۹۸۴-۸-۶

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴

موضوع: Persian poetry -- 20th century

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ / ۲۲۵۴۳۵۹ / PPIR۸۳۵۸

رده بندی یوبی: ۸۱۱/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۰۳۲۰۵۹



نشر آوای هستی
AVAYE HASTI
مدرسه عالی تعلیم و تربیت

عنوان: دیوان اشعار حاج محمدابراهیم

کلانتری خاندانی (شاکر کرمانی)

مؤلف: محمدابراهیم کلانتری خاندانی

ناشر: آوای هستی

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۷

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۹۸۴-۸-۶

کلیه حقوق برای ناشر و مؤلف محفوظ است

ایمیل ناشر: Avaye.hasti1394@gmail.com

مرکز پخش کتاب:

نشر آوای هستی

تهران: ۰۹۱۳۱۹۸۵۲۰۲ - کرمان: ۰۳۴۳۲۲۶۴۴۳۷

مقدمه نویسنده

مژین می‌نمایم این اثر ناچیز را به ذکر صلوات بر محمد و آل محمد، بارها گفت محمد که علی جان من است هم به نام علی و جان محمد صلوات جمال صدر و بدر کائنات خلاصه موجودات احمد و محمود، ابوالقاسم محمد صلوات

به نام آنکه ستار العیوب است همیشه حی و آگه از قلوب است حمد و ستایش مخصوص پروردگار عالمیان است

توانایی که جان بخشید بر خاک روانش داد و عقل و فهم و ادراک سزاوار ستایش بوده و هست که باشد خالق بالا و هر پست آنکه از خاک سیه جان آفرید از همان خاک سیه از بهر اوانان آفرید

دروود و صلوات مخصوص خاتم انبیا محمد مصطفی (ص) و خاندان بزرگ آن حضرت است. اینجانب محمد ابراهیم کلاتری خاندانی فرزند مرحوم حسین کلاتری خاندانی هستم که در شهر ماهان دیده به جهان گشودم. پدرم در ماهان صاحب باغ و آب و زمین زراعی بود و به امر پدر کشاورزی مشغول بود. زندگی ما هیچ کمبودی نداشت اما افسوس و صد افسوس که نور بنده به سن نه سالگی نرسیده بودم که دست اجل پدرم را از ما گرفت و چنانچه پدر خاموش شد و مارا در سوگ بزرگی فرو برد. پدرم مردی قد بلند و چهار خانه رکن گون بود و علاقه عجیبی به شعر و شاعری و شاهنامه خوانی داشت و هر وقت فرصت دست می‌داد برای اقوام و دوستان اشعاری از شاهنامه می‌خواند و چون در قدیم رادیو و تلویزیونی وجود نداشت سرگرمی مردم بعد از قرآن، کتاب حافظ، سعدی و یا شاهنامه فارسی بود. مادرم بی‌بی سلطان کارآموزیان خانه‌دار بود و بعد از پدر چادر همت به کمر بست و بر امر بزرگ کردن ما کوچکترین کوتاهی نکرد. این را هم بگویم که ما عمویی داشتیم به نام کربلایی علی کلاتری چون فرزندی نداشت سرپرستی املاک ما را به عهده گرفت تا اندازه‌ای جبران کمبود پدر را کرد و چون آن بزرگوار برای ما خیلی زحمت کشیده من می‌خواهم نام ایشان هم در این کتاب آورده شود و قدری از زحمات عموی بزرگوارم را جبران کرده باشم. از مرحوم پدرم چهار فرزند به جا مانده است که دو برادر و دو خواهر هستیم. خواهرانم بزرگ شدند و به خانه بخت رفتند و چون برادرم چهار سال از من کوچکتر بود من همیشه حامی او بودم. من الان که آفتاب عمرم بسر دیوار رسیده است به آن شدم که یادگاری هر چند ناچیز از خودم برجا بگذارم. من از همان دوران طفولیت طبع شعری داشتم البته من شاعر نیستم و به قول شاعر:

بلبل به باغ و جغد به ویرانه تاخته هر کس به قدر همت خود خانه ساخته

تخلص من شاکر است یعنی همواره شکر گزار پروردگارم بوده و هستم. خداوند همیشه یار و مددکار من بوده و هست و این دو بیت را سرودم مبنی بر اینکه ادعای شاعری ندارم:

در یابان اشتر و در کوه می‌باشد پلنگ در صدف گوهر بود در بحر بی پایان نهنگ

شاعر پرمایه گوید شعر همچون دُر ناب شاکر کرمان ز بی سرمایگی گوید جفنگ
البته من علاقه عجیبی به کشور عزیزم ایران دارم و علی‌الخصوص زادگاهم کرمان که
اشعاری ناچیزی در وصف ایران، کرمان و شهرهای اطراف آن سروده‌ام.

ای کشورم ایران زمین مهر تو در خونم عجین

جانم فدای نام تو برنام پرمعنای تو

بردشت و بر صحرای تو بر کوه و بر دریای تو

در روزگاران کهن نام تو بر هر انجمن

با افتخار و آفرین نامیده شد ایران زمین

باقی سروده در متن کتاب آورده می‌شود.

بالاخره روزگار ما با همه شور و شیرین بودن‌ها گذشت و ما هم اگرچه پدر نداشتیم
به آبرومندی و پرستی مادر بزرگوارم بزرگ شدیم. بعد از ترک تحصیل چون
می‌خواستم آن‌دانه زحمتی کنم وارد کار تجارت شدم و به خرید و فروش قالی مشغول
شدم و خداوند بسیار مهربان گیرم که نه در وقت خرید و نه در وقت فروش به کسی
اجحافی نمودم. من در یک و هفت سالگی تشکیل خانواده دادم و با یک فرشته ازدواج
کردم که از هر لحاظ همسر خوب و شایسته است و همیشه یاور و پشتیبان من بوده و
هست و اگر خودنمایی نباشد هر سر زنده هم دیندار است هم دانا و هم خیر و کدبانوی
خوبی نیز می‌باشد خداوند متعال بر ما منت نهاده که هشت اولاد صالح و دیندار عطا
فرموده شامل چهار دختر و چهار پسر و یک پسر خداوند متعال و دست توانای همسرم که
لحظه‌ای در امر تربیت و تحصیل فرزندانش کوتاهی نکرد. الان آنها همگی دارای تحصیلات
عالیه هستند و در جمهوری اسلامی به مردم خدمت می‌کنند. حال که چراغ عمر من
رو به خاموشی است بر آن شدم مطالبی که در طول عمر در سینه‌ام جاخوش کرده‌اند
را روی کاغذ بیاورم چون اینجانب از کودکی حافظه خیلی قوی داشتم هر چیزی که
در طول عمر شنیده‌ام در ذهنم ضبط شده است و من در ضرب المثل‌ها، گویش‌های
قدیمی محلی و اشعاری که سروده‌ام از کتاب دیگران الهام‌آید، حال بر آن شدم اشعار
حافظه و دانش خودم کمک گرفته‌ام و همچنین به یاری خداوند متعال و دست توانای همسرم
و دویستی‌های عامیانه قدیمی را که از نیاکان به ما ارث رسیده و این گنجینه پربها در
طی قرون و اعصار گذشته سینه به سینه منتقل شده است و من هم به زبانه خود اشعار
عامیانه‌ای که در ذهنم ثبت و ضبط شده‌اند به نسل‌های بعدی منتقل نمایم باشد که
کمکی هر چند کوچک به فرهنگ غنی کشورم نموده باشم.

در پایان لازم می‌دانم از زحمات جناب مهندس سید محمد سعیدی، مدیر محترم نشر آوای
هستی، تشکر نمایم.

محمد ابراهیم کلانتری خاندانی

بهار ۱۳۹۷

فهرست

۱۱	به نام خداوند بخشنده مهربان
۱۲	ایزد پاک
۱۳	نه تو کسی زاد و نه خود زاده‌ای
۱۴	خورشید کعبه
۱۵	کار چیست؟
۱۶	طمع کاری
۱۹	جامه‌ای از خفت و خواری
۲۰	خفت کشیدن
۲۱	راز خوشبختی
۲۳	نخواهم غیر از را دگر من
۲۴	هیچ اندر هیچ
۲۵	بدان آخر کند دنیا شکارت
۲۵	قمار زندگی
۲۶	فکر عقبی کن
۲۶	بی‌وفایی دنیا
۲۷	توبه گرگ مرگ است
۲۷	سوگند نامه به درگاه خداوند متعال
۳۱	معلم
۳۲	بگیر از چرخ گردون پند و عبرت
۳۴	قدر دانی از استاد
۳۴	مادر
۳۵	جهالت
۳۷	شاه و گدا
۳۷	کودک بینوا
۳۸	در ستایش همسر
۳۹	ابلیس لعین
۴۰	کشورم ایران
۴۳	وصف کرمان
۵۱	تک بیتی‌ها
۶۷	دو بیتی‌ها
۹۴	ضرب‌المثل‌های قدیمی
۱۱۲	آداب و رسوم کرمان
۱۲۶	گویش‌های محلی کرمان